



باید به تبعیض و سرکوب مزدی در حق زنان کارگر پایان داد!

می توان با قاطعیت گفت که رژیم ولایت فقیه در چهار دهه حاکمیتش، تبعیض سیستماتیک جنسیتی - طبقاتی را به جامعه تحمیل و همراه با افکار قرون وسطایی خاص خودش حقوق زنان میهن مان از جمله، و به صورتی گسترده، حقوق زنان لایه های تهیدست را بی وقفه پایمال کرده است. طبق آمار اعلام شده از سوی مرکز مطالعات زنان، سهم مشارکت زنان در اقتصاد کشورمان هنوز بسیار پایین تر از مردان است. اعتراض به تبعیض جنسیتی و مزدی و ناچیز بودن

ادامه در صفحه ۳

نامه کارگری مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۹، ۱۹ آبان ماه ۱۳۹۹



حزب توده ایران: اخراج کارگران و اعمال فشار به فعالان صنفی - سندیکایی را محکوم می کنیم!

بر اساس گزارش های منتشره، طی روزهای اخیر پس از آزادی چهار کارگر بازداشت شده مجتمع نیشکر هفت تپه، در پی توطئه جدید کارفرما و ارگان های امنیتی ۱۵ کارگر این واحد صنعتی - کشاورزی از کار اخراج شدند. همزمان نیروهای امنیتی و گارد ویژه در محوطه این مجتمع مستقر و متعاقب آن از ورود کارگران اخراج شده به کارخانه جلوگیری کردند.

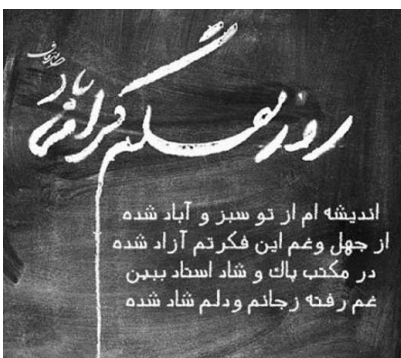
اعمال فشار به فعالان کارگری، اخراج و تهدید کارگران و برنامه ریزی برای ایجاد فضای ارباب به هدف تحمیل حالت تدافعی و مهار اعتراض های کارگری سیاست شناخته شده حکومت جمهوری اسلامی و نهادهای سرکوبگر آن است. کلان سرمایه داران، ارگان های امنیتی و رهبران تشکل های زرد حکومتی هماهنگ با یکدیگر برنامه کنترل و مهار جنبش های اعتراضی کارگری را با

ادامه در صفحه ۴

از مبارزه برای تأمین خواست های فوری تا پیوند با جنبش همگانی ضد استبدادی

در گرماگرم همه گیری بیماری کوید-۱۹ و وخیم تر شدن وضعیت معیشت و زحمتکشان، وزارت کار بار دیگر مزد منطقه ای و صنفی را همراه با مقررات زدایی در روابط کار و قوانین تأمین اجتماعی در دستورکار خود قرار داده است. قرار دادن این دستورکار از سوی وزارت کار که با واکنش مثبت و تأییدآمیز مجلس تحت فرمان ولی فقیه و دیگر ارکان حکومت جمهوری اسلامی روبرو گردیده، پرسش هایی چند را برای فعالان جنبش کارگری مطرح کرده است. از جمله این پرسش ها این است که به چه دلیل در چنین اوضاعی باز هم طرح آزادسازی مزد با پوشش به اصطلاح مزد منطقه ای و صنفی در اولویت وزارت کار قرار می گیرد؟ همچنین با کدام راهکارها و چگونه باید به مقابله با این طرح ها برخاست؟ این پرسش و پرسش هایی از این دست در زمره محورهای

ادامه در صفحه ۲



روز جهانی معلم: کارزار برای مزد عادلانه، امنیت شغلی، توقف خصوصی سازی

فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری به نمایندگی از سوی صدوپنچ میلیون کارگر عضو آن از پنج قاره جهان، روز جهانی معلم را در سال ۲۰۲۰ شادباش می گوید. در وضعیت شیوع ویروس کرونا، آموزگاران و دانش آموزان با مشکلاتی به مراتب بیش از گذشته روبرو هستند از آن جمله اند: آموزش از راه دور، کمبود امکانات حفاظتی در مدارس، کمبود امکانات

ضد عفونی مناسب مدارس و نداشتن مدارسی با تعداد محدود شاگردان در کلاس های درس. هر ساله در ۴ اکتبر/ ۱۳ مهرماه فدراسیون جهانی اتحادیه های فرهنگیان (اف- ای- اس- ای) [سازمان همکار فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری] روز جهانی معلم را در حکم روز اعتراض در سطح بین المللی با خواست های مبارزاتی ای مشخص برگزار می کند. در روز جهانی معلم، جنبش سندیکاهای کارگری در سطح جهان مجدداً بر خواست های آموزش همگانی رایگان و علمی، دستمزد شرافتمندانه برای معلمان، بهداشت و حفاظت معلمان، دانش آموزان و والدین آنان با تمهیدات بهداشتی مناسب در قبال کووید-۱۹ تأکید می کند.

پیروز و پاینده باد مبارزات فرهنگیان دبیر کل فدراسیون، فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری - مهر ماه ۱۳۹۹

پیش به سوی سازمان دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!



تلقی می‌کنند. همین مبارزات در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها با همه کمبودهای شان می‌توانند بستر مبارزه در جهت ارتقای سطح سازماندهی و همبستگی و تقویت جنبش کارگری شوند. بی‌دلیل نیست که مسئولان ریز و درشت جمهوری اسلامی در ترس و نگرانی از تداوم مبارزات کارگری کنترل اعتراض‌ها را از طریق مجاری به‌اصطلاح قانونی خواستار هستند. به‌طور مثال، خبرگزاری ایلنا، ۲۷ مهرماه، از قول مدیرکل اداره کار استان فارس گزارش داد: "حفظ آرامش در شرکت‌ها و حل اختلاف از طریق مکانیزم‌های پیش‌بینی شده در قانون کار، تنها راه رسیدگی قانونی به مطالبات کارگران است. ... از کارگران پالایش پارسیمان سپهر می‌خواهم که اگر به مطالبات خود دست نیافتند، از طریق اداره کار رسیدگی به دادخواست خود را پیگیری کنند." پیش از این نیز وزیر کار اعتصاب کارگران را خارج از مکانیزم‌های حل اختلاف در قانون دانسته بود.

به‌منظور دستیابی به خواسته‌هایی ضروری و بی‌درنگ که عبارتند از: دریافت به‌موقع دستمزد، لغو قراردادهای موقت، اجرای صحیح هم‌سان‌سازی، دستمزد مساوی در برابر کار مساوی، تأمین امنیت شغلی، حق بیمه بیکاری و افزایش عادلانه مزد، یگانه راه مطمئن گسترش دادن به مبارزه و به‌کارگیری برنامه ریزی شده سلاح اعتصاب است.

نقطه پیوند در مبارزات به‌منظور دست یافتن به مطالبه‌های فوری، پافشاری بر احیای حقوق سندیکایی و برپایی سندیکاهای مستقل در حکم سازمان پایه طبقاتی کارگران است. دستیابی به احیای حقوق سندیکایی روندی پرفراز و فرود و با شکل‌هایی متنوع از مبارزه توأم است، اما مضمون سیاسی و طبقاتی‌ای روشن دارد. درعین‌حال، فراموش نباید کرد که سازماندهی کارگران و زحمتکشان در تشکل‌های سندیکایی اثرگذار طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و بدی در صحنه سیاسی و همبستگی با جنبش همگانی ضداستبدادی را ضمانت می‌کند.

رژیم در هراس از این واقعیت هم‌زمان با طرح آزادسازی مزد و مقررات‌زدایی در قوانین تأمین اجتماعی از طریق بلندگوهای تبلیغاتی‌اش بر لزوم "آشتی‌دادن سیاستمداران با کارگران" اصرار می‌ورزد. این‌گونه تبلیغات نگرانی حاکمیت از توان، اثرگذاری، و ظرفیت جنبش کارگری - سندیکایی در صورت پیوند با جنبش ضد دیکتاتوری را به‌روشنی تمام نشان می‌دهد.

اقتضای تداوم مبارزات و اعتراض‌ها به‌شکل‌های گوناگون این وظیفه را همچنان در برابر فعالان سندیکایی و کارگری قرار می‌دهد که با کار خستگی‌ناپذیر در راه ارتقای سطح سازماندهی و همبستگی بکوشند. غلبه بر وجود ضعف در همبستگی‌ها، یکی از وظیفه‌های مهم در این مقطع زمانی است. تشدید مبارزه، قدرت مانور و امکانات جنبش کارگری و سندیکایی را در برابر ترفندهای رژیم افزایش می‌دهد. وظیفه مقدم در وضعیت حساس کنونی تأکید بر مبارزه و اتحاد عمل فراگیر است.

ادامه از مبارزه برای تأمین ...

بحث در میان مبارزان جنبش سندیکایی میهن ماست.

این نخستین بار نیست که آزادسازی مزد زیر عنوان‌ها و پوشش‌هایی فریبنده از سوی دولت و در هماهنگی با اتاق بازرگانی طرح گردیده و هم‌زمان با آن حتی رهبری تشکل‌های زرد حکومتی نیز در لباس "منتقد" در برابر آن ظاهر می‌شود. اما تفاوت طرح این موضوع در مقطع زمانی کنونی با سال‌های گذشته در این مهم نهفته است که اسمال رژیم ولایت فقیه در اوضاعی به‌شدت بحرانی و گسترده شدن اعتراض‌های پراکنده کارگری چنین طرحی را دوباره در دستور کار قرار می‌دهد. برای بررسی موشکافانه علت این تصمیم در درجه نخست باید به سیر رویدادهای صحنه سیاسی کشور به‌دقت توجه کرد. زاویه‌های گوناگون این رویدادها را که بر صف‌بندی‌های سیال مرکزها و کانون‌های قدرت و ثروت اثرگذارند ارزیابی کرد. و مبارزات جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی حال حاضر را در بطن تحول‌های سیاسی - یا به‌بیان دقیق‌تر، مبارزه طبقاتی حاد درون جامعه - تحلیل کرد. بر کسی پوشیده نیست که همه‌گیری کرونا، ادامه اجرای برنامه تعدیل ساختاری، و تحریم‌های مداخله‌جویانه امپریالیستی، در مجموع، اوضاعی بسیار دشوار را پدید آورده‌اند. در چنین اوضاعی رژیم ولایت فقیه با برنامه‌ای چندوجهی درصدد کاستن از شدت این وضعیت و برون‌رفت از آن است. طراحی مانورهای حساب‌شده سیاسی و تدوین برنامه‌های اجرایی‌ای معین که بتوانند از هم‌افزایی خواسته‌های لایه‌ها و طبقه‌های اجتماعی مخالف، ناراضی، و منتقد استبداد حاکم مانع شوند و درجه برآمد نارضایتی‌ها را در مجموع کنترل کنند یا کاهش دهند، اولویت اول نظام به‌ویژه ارگان‌های امنیتی است. این سیاست‌ها در چند گستره مانند اجرای برنامه‌های اقتصادی ضد کارگری و ضد مردمی، فریب، تهدید، "ضربات پیشگیرانه" به جنبش‌های مردمی به‌هدف تحمیل حالت تدافعی به‌آن‌ها و هراس‌افکنی در جامعه مثل بازداشت دگراندیشان، صادر کردن حکم‌های طولانی مدت بر پایه اتهام‌های واهی برای اعضای کانون نویسندگان، بازداشت کارگران و فعالان سندیکایی که نمونه آن را در بازداشت و سپس آزاد کردن چهار کارگر نیشکر هفت‌تپه شاهد بودیم و نیز صادر کردن حکم‌های بی‌اساس قضایی برای اعضا و دبیران کانون صنفی معلمان ازجمله چنین سیاست‌هایی هستند. علاوه بر این‌ها، سمت‌گیری اقتصادی - اجتماعی رژیم که تأمین امنیت برای سرمایه به‌پهای ارزان‌سازی نیروی کار و محکم کردن پیوند با سرمایه‌داری جهانی است، حکومت جمهوری اسلامی را بر آن می‌دارد تا در برابر زحمتکشان از سیاست "تهاجم بهترین دفاع است" پیروی کند. به‌همین دلیل است که در گرماگرم بحران‌های کنونی کشور، برنامه آزادسازی مزد و مقررات‌زدایی در اولویت این حکومت قرار می‌گیرد. با توجه به چنین واقعیتی می‌توان پاسخ به پرسش‌های مطرح شده در سطرهای پیشین را یافت.

تجربه برآمد نوین اعتراض‌های کارگری و گسترش آن به برخی از مرکزهای مهم صنعتی و تولیدی راهبردی در ماه‌های اخیر، رژیم ولایت فقیه را بر آن داشت که ضمن تفرقه انداختن در صف‌های اعتراضی کارگران با طرح کردن دوباره آزادسازی مزد و مقررات‌زدایی بکوشد از تهاجمی شدن جنبش کارگری - سندیکایی مانع شده و بین کارگران رشته‌های گوناگون صنعتی و خدماتی اختلاف و پراکندگی به‌وجود آورد و از این راه حرکت به سمت ارتقای سطح سازماندهی و همبستگی را کند و سپس متوقف کند. طرح مزد صنفی و منطقه‌ای از سوی محمد شریعتمداری وزیر کار به‌این هدف در اوضاع حساس کنونی پیش کشیده شده است.

ادامه اعتراض‌های کارگری گرچه به‌صورت پراکنده، نشانه بارز ژرفای نارضایتی طبقه کارگر و زحمتکشان از وضع موجود است. زحمتکشان میهن ما آن‌چنان در فقر و تنگنای معیشتی قرار گرفته‌اند که حاضرند با وجود خطرات ناشی از همه‌گیری کوید-۱۹ به اعتصاب و اعتراض دست بزنند. فلاکت و فقر ناشی از سیاست‌های اقتصادی ضد مردمی استبداد حاکم مذهبی زمینه عینی تداوم اعتراض‌های کارگری است. از این‌روی، برخلاف برخی نغمه‌های ناامیدکننده که پراکندگی مبارزات کنونی را ضعفی ترمیم‌ناپذیر

اعتراض پرستاران ادامه دارد: از حقوق پرستاران حمایت کنیم!



در هفته دوم آبان ماه، مطابق آمار رسمی تعداد روزانه ابتلای هموطنانمان به بیماری کرونا به حدود ۸ هزار تن رسید و تعداد جانباختگان نیز از چهارصد تن فراتر رفت. فاجعه کنونی آشکارا ناکارآمدی رژیم را نشان می‌دهد. به‌علاوه، تلفات ناشی از کرونا نتیجه بی‌عدالتی‌های ناشی از اجرای سیاست تعدیل ساختاری، خصوصی‌سازی بهداشت و درمان مردم، و بهره‌کشی از زحمتکشان بخش بهداشت کشور به‌ویژه پرستاران در سال‌های دهه‌های اخیر است.

پرستاران کشورمان با راه‌اندازی کارزاری در فضای مجازی، روز ۵ مهرماه اجرای "قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری" بعد از سپری شدن "سیزده سال [از] تصویب" آن را خواستار شدند و روز ۱۳ مهرماه هم پرستاران شرکتی و کارکنان حوزه بهداشت در اعتراض به "طولانی شدن روند رسیدگی به تبدیل وضعیت استخدامی خود" و تأکید بر "رفع تبعیض"، مقابل مجلس و سازمان برنامه‌بودجه تجمع‌هایی اعتراضی برگزار کردند. حذف دلالتان و واسطه‌های تأمین نیروی کار، تبدیل وضعیت پرستاران شرکتی و قراردادی به استخدام دائمی، استخدام تعداد ضرور پرستاران در بیمارستان‌ها، پرداخت به‌موقع دستمزد، افزایش حقوق، پرداخت عادلانه کارانه و اضافه کاری، پرداخت "فوق‌العاده ویژه پرستاری"، اجرای قانون بهره‌وری نیروی کار، و جز این‌ها، از جمله خواست‌های عمده پرستاران کشورمان است. رئیس سازمان برنامه‌بودجه و مسئولان وزارت بهداشت ادعا کرده‌اند که مجموعاً در سال‌های ۹۸ و ۹۹، ۱۱ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای تأمین بودجه معوقات کارانه کادر درمان اختصاص داده‌اند. دبیرکل خانه پرستار در گفت‌وگویی با ایلنا، ۱۰ آبان‌ماه ۹۹، با اشاره به اینکه "۸۰ درصد بار کرونا" روی دوش پرستاران است و معوقه هر پرستار "به‌طور متوسط" به‌مدت ۱۰ ماه، و کارانه‌های پرداخت شده به پرستاران از بودجه فوق را "۵۰ هزار تومان، ۱۰۰ هزار تومان و ۱۵۰ هزار تومان" هستند، افزود: "۱۱ هزار میلیارد تومان برای پرداخت مطالبات، عدد کمی نیست. ... ۷۰ درصد از بودجه‌ای که برای این کار در نظر می‌گیرند به پزشکان عضو هیأت علمی می‌رسد. ... سهم پرستاران ... کمتر از ۱۰ درصد [آن] است." دبیرکل خانه پرستار با تأکید بر اینکه "چند سال متمادی" است استخدام پرستاران جدید به‌صفر کاهش یافته است، جان‌باختن "بیش از ۶۰ پرستار به‌دلیل ابتلا به کرونا"، مبتلا بودن "بیش از ۲۵ درصد" پرستاران به کرونا، "وجود ۶ هزار پرستار در مرخصی استعلاجی و انصراف از کار هزاران پرستار دیگر"، "شیفت‌های شبانه‌روزی و بی‌وقفه" پرستاران، و مهاجرت "هزاران" پرستار دیگر را دلیل "مرگ تعداد بیشتری از بیماران مبتلا به کرونا و مرگ پرستاران" دانست. روز اول آبان‌ماه، شریعتمداری، وزیر کار، از استخدام کادر پرستاری و افزایش "ضریب اشتغال پرستاران به‌نسبت تخت‌های بیمارستانی" به "میانگین استانداردهای جهانی" سخن گفت. به‌رغم میانگین ۱۰ پرستار برای هر هزار نفر در اتحادیه اروپا، دبیرکل خانه پرستار تعداد پرستاران لازم برای هر هزار نفر به صورت استاندارد را "۳ پرستار" عنوان کرد و گفت: "در ایران بیش از گسترش کرونا، ۱/۵ پرستار [به‌ازای هر هزار نفر] وجود داشت. ... این رقم به ۱/۲ و ۱/۳ رسیده است." رژیم ولایی حقوق این کارکنان حوزه درمان را در استفاده‌شان از بازنشستگی پیش از موعد برای مشاغل سخت و زیان‌آور و اجرای قانون ارتقای بهره‌وری شدیداً نقض می‌کند. اجرای سه دهه سیاست تعدیل ساختاری از سوی رژیم، به‌خصوص شدید کردن اجرای آن در بخش درمان، علت اصلی شرایط بحرانی کنونی و گسترش فاجعه‌بار بیماری کرونا است.

ادامه باید به تبعیض و سرکوب مزدی

دستمزدها در قیاس با هزینه‌های رو به افزایش زندگی از سوی زنان هر روز ابعادی برجسته‌تر می‌یابد. زنان کارگر، بیش از همه مصائب تبعیض که حاصل سیاست‌های ارتجاعی و زن‌ستیزانه رژیم است را متحمل می‌شوند.

خبرگزاری ایلنا، ۳۰ مهرماه ۱۳۹۹، در گزارشی نوشت: "به‌صورت نظام‌مند و در چارچوب برخی قوانین، دریافتی‌های زنان کمتر از مردان است. زنان مواردی مثل حق عائله‌مندی یا فرزند را نمی‌گیرند. ... در مواردی شاهد به‌کارگیری زنان در مشاغل هستیم که مزد آن به‌نحای مختلف حداقلی هم نیست." به‌عنوان یک نمونه در زمینه بی‌حقوقی زنان در بازار کار، گزارش خبرگزاری ایرنا، ۲۶ مردادماه ۱۳۹۹، گویا و تکان دهنده است؛ ایرنا در گزارشی نوشته است: "سایت دفن زباله اهواز حدود یکصدوبیست کارگر برای تفکیک زباله دارد که حدود یکصد نفر آنها را زنان تشکیل می‌دهند، زنانی که هر روز از نقاط مختلف شهر، خود را به‌این سایت می‌رسانند تا با تفکیک بخشی از زباله‌های شهر درآمدی برای گذران زندگی‌شان به‌دست آورند. این کارگران چند ماه حقوق از پیمانکار طلب دارند." همچنین تحمیل قراردادهای موقت یکی دیگر از چالش‌هایی است که رژیم در برابر کارگران و زحمتکشان قرار داده است. نداشتن امنیت شغلی و برخوردار نبودن از بیمه تأمین اجتماعی کارآمد که تضمین‌کننده دوران بازنشستگی این زحمتکشان باشد از دیگر معضله‌های پیش روی زنان کارگر میهن‌مان است.

گزارش‌های رسمی حاکی از آن‌اند که بیشتر زنان کارگر شاغل بدون عقد قرارداد کار می‌کنند، یعنی قراردادهایی نامشخص و سفیدامضا دارند و دستمزدشان از دستمزدهای قانونی کمتر است و همین دستمزدها را هم به‌صورتی نامنظم به آنان می‌پردازند. همچنین زنان کارگر و زحمتکش هم‌زمان با خواست افزایش دستمزد و لغو قراردادهای موقت و سفیدامضا خواهان حذف مهدکودک‌های خصوصی نیز هستند که به حدود ۸۵ درصد مهدکودک‌های کل کشور رسیده‌اند. از آنجا که تعداد مهدکودک‌های دولتی اندک‌اند، آن گروه از زنان کارگر بعد از بارداری تنها یک مرخصی ۶ ماهه طبق قانون کار در اختیار دارند و سپس یا باید تن به‌ترک کار بدهند یا فرزندان‌شان را در یکی از این مهدکودک‌های خصوصی ثبت‌نام کنند. به‌علاوه، در عرصه صنایع‌دستی کشورمان و به‌ویژه در فرش‌بافی نحوه پرداخت دستمزدها و شرایط کار به‌شدت رقت‌بار است.

نرخ استثمار در صنایع‌دستی به‌ویژه در فرش‌بافی که شمار بزرگی از زنان در آن مشغول به‌کارند بسیار بالا است. زنان کارگر فرش‌باف درکل تعدادشان به‌حدود یک میلیون نفر می‌رسد که از این تعداد تنها ۳۲۰ هزار نفرشان زیر پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار دارند. از آنجا که استبداد مذهبی حاکم بر کشور ما تکیه‌گاهی استوار برای کلان‌سرمایه‌داران، دلالتان، و رانت‌خوران است، زحمتکشان به‌ویژه زنان زحمتکش از حقوق قانونی محرومند با سرکوب مزدی مواجه‌اند. احیای حقوق سندیکایی و حضور زنان کارگر در مبارزات سندیکایی و سیاسی از اهمیتی جدی برخوردار است.

کارگران و زحمتکشان زن با خواست محو کامل هر نوع تبعیض و در مسیر حذف اقتصاد دلالی، مخالفت با خصوصی‌سازی به‌خاطر دست یافتن به حق طبیعی تضمین امنیت شغلی‌شان، دریافت دستمزدهایی عادلانه، بهره‌مندی از مزد مساوی برای کار مساوی، داشتن حق انتخاب پوشش خویش و لغو حجاب اجباری، هم‌دوش کارگران و زحمتکشان مرد، در جامعه و در محیط کار، با رژیم ولایت فقیه به‌منظور تحقق خواست‌های‌شان مبارزه کرده و می‌کنند.

سیزوه پاملا (سخنگوی ملی کوساتو)، سایت کنگره سندیکاهای کارگری آفریقای جنوبی - ۱۷ مهرماه ۱۳۹۹
<http://mediadon.co.za/2020/10/08/cosatu-post-national-strike-statement/>
 توضیح: اعتصاب سراسری در آفریقای جنوبی در اواخر ماه سپتامبر ۲۰۲۰/ اوائل مهرماه با فراخوان کوساتو و حمایت شماری از سندیکاهای کارگری و نیروهای سیاسی در شهرهای مختلف در اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت، خصوصی‌سازی، خروج سرمایه از کشور، و فساد مالی با موفقیت برگزار شد. بیانیه کوساتو پس از این اعتصاب سراسری صادر شده است.

سازمان دهی، همبستگی، اعتصاب
بیانیه "کوساتو"
پیرامون اعتصاب سراسری در آفریقای جنوبی



ادامه حزب توده ایران: اخراج ...

جوسازی و هراس افکنی به‌موازات تلاش برای نفوذ و به‌انحراف کشاندن مبارزات جاری تدوین و به‌مورد اجرا گذاشته‌اند. ایجاد تفرقه، جوسازی و هراس افکنی هدفمند برای آن صورت می‌گیرد که مبارزه جنبش کارگری - سندیکایی برضد برنامه تبدیل ساختاری با محوریت خصوصی‌سازی به‌انحراف کشیده‌شود. استبداد حاکم مذهبی با انواع نیرنگ‌ها کوشیده و می‌کوشد اعتصاب و اعتراض‌ها به‌برنامه خصوصی‌سازی را برای توده‌های کارگر امری "بی‌ثمر"، "بی‌فایده" و "بی‌نتیجه" جلوه دهد. مانور برخی از نمایندگان مجلس، امام‌جمعه‌ها و نظایر آنها در به‌اصطلاح حمایت از خواست‌های کارگران مجتمع هفت‌تپه بخشی از راهبرد کلی رژیم برای مهار اعتراضات است. این‌گونه نمایش‌ها صرفاً در راستای منافع جناح‌های حکومتی و رانت‌خواران بوده و منافع زحمتکشان را در نظر ندارد. باید با هوشیاری ترفندهای رژیم ولایت‌فقیه و ارگان‌های امنیتی را افشا و خنثی نمود. پرهیز از تفرقه و اقدام‌های نامتناسب با ظرفیت جنبش کارگری و مغایر با خواسته‌های توده‌های کارگر از وظایف اصلی فعالان سندیکایی در این لحظه حساس است.

مبارزه اعتراضی کارگران با خواسته‌های مشخص مانند توقف خصوصی‌سازی، بازگشت واحدهای بزرگ صنعتی همانند هفت‌تپه و هیکو به پوشش بخش دولتی، خلعید از رانت‌خواران و دلال‌ها، تامین امنیت شغلی، مزد عادلانه و احیای حقوق سندیکایی همچنان در سراسر کشور ادامه دارد. نکته مهم این است که این جنبش با حفظ استقلال عمل طبقاتی خود در چارچوب منافع و مصالح جنبش همگانی ضدبکتانوری قرارداشته و باید در این راستا تقویت گردد. رژیم ولایت فقیه با تهدید، مانورهای فریبکارانه، ارباب و سرکوب می‌کوشد به‌ر شکل ممکن مانع از پیوند جنبش اعتراضی زحمتکشان با مبارزات سراسری ضداستبداد ولایتی شود. بنابراین ضمن تشدید مبارزه باید توطئه‌های رنگارنگ ارگان‌های امنیتی برای به‌انزوا کشاندن اعتراض‌های کارگری را قاطعانه خنثی نمود. حزب ما از مبارزه به‌حق طبقه کارگر و زحمتکشان در همه واحدها و کارخانه‌ها از جمله مجتمع نیشکر هفت‌تپه با قاطعیت حمایت کرده و اخراج کارگران، تهدید فعالان سندیکایی و ایجاد فضای وحشت را به‌شدت محکوم می‌کند. قول بازگشت به کار کارگران اخراج‌شده با اخذ تعهد کتبی مغایر حقوق بنیادین کار است. اعتصاب حق سیاسی کارگران است و هیچ کارگری را نمی‌توان به‌دلیل سازماندهی یا شرکت در مبارزه اعتصابی تهدید، اخراج یا زندانی نمود. اتحادعمل، همبستگی و سازماندهی رمز کامیابی در مقابله با برنامه‌های ضدکارگری و ضدمردمی رژیم ولایت‌فقیه است.

حزب توده ایران، ۱۹ آبان ۱۳۹۹

کنگره سندیکاهای کارگری آفریقای جنوبی (کوساتو) درودهای پر شور خود را به هزاران کارگری که به اعتصاب سراسری در کشور پیوستند تقدیم می‌کند. ما درکل از شرکت وسیع کارگران و رفتار عالی آنان در طول مدت اعتصاب بسیار خرسندیم. کنفدراسیون بار دیگر بر یکی از اصول بنیادی‌اش یعنی متحد کردن طبقه کارگر، صحنه گذاشت. ما همچنان در مقام نیرویی تغییر دهنده باقی خواهیم ماند. از تمامی گردان‌های جنبش کارگری و سازمان‌های مردمی که از این اعتصاب پشتیبانی و حمایت کردند تشکر می‌کنیم. اتحاد کارگران و زحمتکشان در کلیت خود مهم است، چرا که مبارزاتی سخت و دشوار در پیش رو داریم. فقط با جنبش کارگری و سندیکایی قدرتمند می‌توان منافع زحمتکشان را تامین و عقب‌نشینی‌های گذشته را جبران کرد. ما معتقدیم مبارزات کارخانه محور، یعنی مبارزات کارگران را نمی‌توان از مبارزات اجتماعی و سیاسی جدا کرد.

کوساتو و سندیکاهای همکار برای عقب راندن فشارهای دولتی در ماه‌های آینده تلاش‌های خود را دوچندان خواهند کرد. این فقط آغاز مبارزات طولانی ما است. در این پیکار نباید عقب‌نشینی کرد. آمار بیکاری بسیار هشدار دهنده است و باید فرصت طلبان را (که هم در دولت و هم بخش خصوصی می‌بینیم) عقب برانیم. ویروس کووید ۱۹ را نباید بهانه‌ای برای کاهش مشاغل و نابودی زندگی مردم قرار دهند. ما اجازه نخواهیم داد به نام مکانیزاسیون، خودکار کردن خط تولید، امنیت شغلی کارگران را نابود کنند. ما جز مبارزه و فشار به دولت برای تغییر بودجه و اتخاذ سیاست‌های مالی مطابق برنامه کنگره ملی آفریقای جنوبی ("ان-سی") برای ایجاد شغل، راه دیگری نداریم. ما همچنین اجرای درخواست "ان-سی" مبتنی بر "اطمینان پیدا کردن از کارایی مؤثر زیرساخت‌های ضد فساد و رشوه‌گیری، به‌علاوه سیستم افشاگر فساد، تحریم شرکت‌های فاسد، به‌کارگیری قوانین برای افشای بخش خصوصی فاسد و اقدام سریع علیه هر نوع فساد و رشوه در بخش عمومی و خدماتی" را خواهانیم.

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
<http://www.tudehpartyiran.org>
 آدرس های اینترنت و «ای-میل»
 E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۳۹
 Nameh Mardom - Workers Supplement No.39

9 November 2020

شماره فاکس و تلفن
 پیام گیر ما

004930
 23629727

